

وهم دیدن

مجموعه‌ی اشعار

خسرو ذاکری

۱۳۹۶

سرشناسه	:	ذاکری، خسرو، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	وهم دیدن: مجموعه‌ی اشعار / خسرو ذاکری.
مشخصات نشر	:	کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۷ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۱۰۰۰۰ ریال ۴ - ۷۹ - ۷۰۸۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸ :
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Persian poetry -- ۲۰ th century
رده‌بندی کنگره	:	PIR ۸۳۴۴ ۱۳۹۵ ۹ و ۷ الف /
رده‌بندی دیوئی	:	۸ ۱/۶۲ فا
شماره کتابشناسی	:	۴۶۲۷۶۷۲



نام کتاب: وهم دیدن

شاعر: خسرو ذاکری

ناشر: انتشارات کرمانشاه

حرف نگار و صفحه آراء: سیلا سیلادی

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: آسمان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

قطع: رقعی

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۴ - ۷۹ - ۷۰۸۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

انتشارات کرمانشاه: شهرک ژاندارمری جنب دانشگاه آزاد اسلامی - کوچه مهر

تلفاکس ۷۲۲۲۹۳۲ همراه ۰۹۱۸۸۳۶۳۰۶۴

فهرست

صفحه	عنوان
۱۱	اولین - اولین هر چیزی
۱۲	تعهد - تمام حرف من این است
۱۳	پر از شعر - شعره
۱۴	خواستن - طاقچه‌ای پر از سادگی
۱۵	تخدير - تخدير،

- ۱۶ سکوت - براه افتادم
- ۱۷ پاسبان - چنان در لحظه‌ها غوطه‌ورم
- ۱۸ دعوت - دستان من خالی‌ست
- ۱۹ تنها، یک شب - در اطاقم نشسته‌ام
- ۲۱ آهنگ آشنا - دیدن
- ۲۲ رو - با روی زمان را
- ۲۳ - مرزمین سکوت - من و رای سکوت را، شنیده‌ام
- ۲۴ تو - تو آن بتی
- ۲۹ امید - به رسم دین
- ۳۰ قفس - آینه سوخته‌اب
- ۳۱ مستی - به یک مستی، مستی می‌آیدیشم
- ۳۲ قطره - هر قطره آغازی دارد
- ۳۳ ذرات همه شعرند - شعر همواره تکرار می‌شود
- ۳۵ زندگی - چه می‌گوید این طفل یکسر نور
- ۳۹ الهام - بچ بچ برگ‌ها، لبخند غنچه‌ها
- ۴۰ بی‌رنگی - شعرهایم همه سرخ
- ۴۱ هذیان - در انتظار شعرم و هذیان
- ۴۲ خاطره - برای زادن خاطره
- ۴۳ زندگی - این حصار
- ۴۴ خیابان - می‌نشینی و می‌گذرد
- ۴۶ اتوپیا - میان کوچه باغ شب
- ۴۹ کوره راه - در خود به کشف، رسیده‌ام
- ۵۰ عبور - در کشاکش یک عبور

- ۵۱ فراموشی - از بودن در اینجا
- ۵۲ باغ - باغ و شکوفه‌هایش
- ۵۴ مقصد - قدم می‌زنم
- ۵۵ اینار - شاعر خودش را
- ۵۶ تولد - در استوای ذهن و زمان
- ۵۷ تنهادر - تنهائی، سکوت تنهاست
- ۵۸ آفتاب نزدیک شدن
- ۵۹ فریب - آی خا - آی خلسه
- ۶۰ تردید - حیرت - بودنم، از زمان
- ۶۲ تشویق - برای من - ست می‌زنم، می‌دانی
- ۶۳ زندگی - زندگی،
- ۶۴ رفتن - در کنار هم تاخته‌ایم
- ۶۵ باور - دست من
- ۶۶ برف - برف می‌بارد و دستان نگاه
- ۶۷ پنجره - پنجره
- ۶۹ بهانه بودن - بهانه‌های بودنم
- ۷۰ سرگردانی - بسان قاصدک به آسمان
- ۷۱ یأس - هاله سربی صبح
- ۷۲ مکافات - سکوت بود، در آغاز
- ۷۴ لحظه - آی لحظه
- ۷۵ تنهایی ناب - لمیده در شکاف کوه
- ۷۶ خلسه - آی خلسه، آی خلسه
- ۷۷ از حیرت تا جنون - حیرت آغاز رفتن است

- ۷۹ نهایت - پایم از رفتن راهها، رهاست
- ۸۰ اندیشه - کدام اندیشه باز
- ۸۱ آغاز پایان - هر لحظه که در خود فرو می‌نشیند
- ۸۳ وهمی، همچو فردا - هر روز
- ۸۴ مقصد - مگر نه این است
- ۸۵ آفتاب - بدور دست‌ها
- ۸۶ لحظه - در پس لحظات، دنیایی‌ست
- ۸۷ سفر - بر آن دیدن
- ۸۹ قرار - هیاهوی چشمه
- ۹۰ دریا - پنجره‌ها را کدامین
- ۹۱ زمستان - خزان آمد
- ۹۲ یاد - مردی تنها
- ۹۴ زندگی - در پی دانستن
- ۹۵ بیکرانه - نمی‌دانم در نگاهت
- ۹۶ شعر - شعر دردی است
- ۹۷ پر سه - صدای پر سه‌های هر شیم می‌پیچد
- ۹۹ حصار - تا در حصار صدای خویش
- ۱۰۰ کشف - در کودکی کفش‌هایم را دوختم
- ۱۰۱ انتظار - پشت دری نشسته‌ام
- ۱۰۲ قاصدک - آه، ای قاصدک
- ۱۰۴ حسرت - کفش‌هایم را بدریا سپرده‌ام
- ۱۰۵ آشنا - شب و نخفتن‌هایم
- ۱۰۶ شهر - در خیابان جیرجیرکی می‌خواند

- دعوت - لب بگشای، حرف بزن ۱۰۷
- وهم دانستن - نشئه دانستن در رگام ۱۱۰
- باران - پشت پنجره، باران ۱۱۱
- عبور - توده‌ای سیاه ۱۱۲
- شوق گفتن - آنگاه که ذهن ۱۱۳
- پیر - بر دهش‌هایم - تهی کیسه عمر را ۱۱۵
- ماندا - شعر است - شهرهایی پر از خانه ۱۱۶
- آنها - س - م است ۱۱۷
- حیرت - گاهم به که دوزم ۱۲۲
- بیداد - بر تن بر کونک ۱۲۳
- در کنار گل سرخ - حیم - بر شاخه گل نشانداهم ۱۲۵
- هراس - می‌ترسم از آن شب ۱۲۸
- یک شب من - بارش بلور آب ۱۲۹
- دواپیزود - یک نفر مرده است ۱۳۰
- بالیدن - به دنیا آمدم ۱۳۲
- جستجو - هر غروب ۱۳۳
- امید - من آفتاب را ۱۳۴
- با شعر - رفتم تا شعر ۱۳۶
- عصیان - بگذار همه بدانند که ما ۱۳۸
- پاداش - در اضطراب دانستن ۱۴۰
- رنگ نگاه - نگاهت بسان تن کوهساران ۱۴۱
- درخت سیب - غروبا، ۱۴۲
- یک، هیچ - من تا انتهای غریزه رفتم ۱۴۵

- ۱۴۶ امید - امید
- ۱۴۷ کویر - در کویر
- ۱۴۹ کوچه راه - شعر
- ۱۵۰ نوید - گوش کن
- ۱۵۱ فاصله - ذهنم را
- ۱۵۲ راه - در دور دست‌ها، جاده
- ۱۵۳ آبی - پر ز بوی باغ بود
- ۱۵۵ تقلید - را رویم یک صحنه
- ۱۵۷ مرگ حرف - در انتهای وارام